



امید علی بابایی

فعال حوزه جوانان

خطای هزینه هدررفته، نوعی خطا و سوگیری است که در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و در سطوح فردی و جمعی به شدت رایج است. خطرناک‌ترین حالت خطای هزینه هدررفته وقتی است که زمان، پول، انرژی و... خیلی زیادی صرف چیزی شده باشد؛ این هزینه کردن دلیلی بی‌پایه برای ادامه دادن به هر قیمتی خواهد بود و چون در بسیاری از مواقع که احتمال شکست خوردن زیاد است، تلاش بیشتری هم برای بقا نیاز است پس هزینه هدررفته نیز بیشتر خواهد شد. این در حالی است که بهترین راه برای جلوگیری از آغاز وادامه این خطا، نگاه به آینده، توجه به گزینه‌های جایگزین و عدم توجه به هزینه‌های قبلی است، چون هزینه‌های صرف‌شده دستاویز ادامه دادن راهی اشتباه می‌شوند و این استمرار همچون گردابی همه چیز را به درون خود می‌کشد. یکی از بارزترین و جدی‌ترین مسائلی که در نهاد‌های مختلف کشور ما مشهود است همین استمرار خطای هزینه هدررفته در نحوه به‌کارگیری نیروهای انسانی و به‌خصوص عدم جوان‌گرایی و جوان‌سازی است؛ به‌طوری‌که می‌توان گفت این خطا تبدیل به گرداب نسلی پرشتابی شده که به‌واسطه تأکید بر استفاده از نسل بیبی بومر (نسل پیشین، کهن سالان)، تمام سرمایه‌ها را به درون خود می‌بلعد و چون جامعه ما، جامعه‌ای جوان است و مرکزیت آن را جوانان تشکیل می‌دهند، این گرداب با قدرت بیشتری آنان را به درون خود می‌کشد. یکی از عوامل ایجاد این گرداب، بحث نسل محوری (فردمحوری نسلی) است؛ فردمحوری یعنی جایی که فرد، خود را محور همه چیز می‌داند، تصمیم‌ها و قضاوت‌ها را بر اساس منافع و دیدگاه‌های شخصی خود تنظیم می‌کند، حتی اگر با مصالح جمع در تضاد باشد. بااین توصیف می‌توان این فردمحوری را به‌راحتی به نسل محوری تعمیم داد یعنی جایی که نسل بیبی بومر خود را محور همه چیز می‌داند و با تصمیماتی که ناشی از عقیده عقل کل بودن است، شتاب گرداب نسلی را بیشتر می‌کند. بیبی بومرها ممکن است به‌صورت ناخودآگاه تصور کنند همه چیز را بهتر از بقیه می‌دانند یا بدون آنها، ساختار نهاد‌ها را هم پاییده می‌شود واین یعنی نسل محوری (فردمحوری نسلی) برای حفظ قدرت به‌خطر احساس برتری یا ترس از دست دادن جایگاه، که در عمل، منافع عمومی و نسل جوان فدای نسل محوری می‌شوند. نقطه تلاقی خطای هزینه هدررفته با نسل محوری آنجایی است که به‌واسطه تقلا، تلاش و هزینه‌هایی که در سال‌های طولانی ترقدرتنمایی بیبی بومرهای فعلی انجام شده، فایده یا ضرر ادامه حضور آنان و گزینه‌های جایگزین، فراموش گشته‌اند و چون نسل بیبی بومر کنونی در کشور ما (جالب اینجااست نسل بیبی بومر فعلی، از زمانی که نسل زد بودند در سیاست‌گذاری‌ها نقش برنگی داشته‌اند!) طی یکی دو دهه اخیر حضوری ثابت و پررنگ در نهاد‌های قدرتمند داشته و دارند به‌محور فکری و تصمیم‌گیری در امور مختلف تبدیل شده و تصمیمات حول نظر این نسل شکل گرفته و می‌گیرند. از طرف دیگر، بیبی بومرها به اقتضای سن شان نیاز به ثبات را اسم رمزی برای توجیه نسل محوری قرار داده‌اند وآن رانشانه اعتبار می‌دانند؛ بیبی بومرها تضاد خوششان نمی‌آید چون اگر در میانه‌های راه تصمیم بگیرند پروژه‌ای را لغو کنند تضاد ایجاد کرده‌اند پس درواقع قبول کرده‌اند یک زمانی جور دیگری قی می‌کردند واین را مساوی با شکست درنظر می‌گیرند! این نوع نگاه به ثبات، منجر به رفتار غیرمنطقی می‌شود و باعث می‌شود برای حفظ ظاهر، پروژه‌ها و سیاست‌گذاری‌های بی‌فایده تا اطلاع ثانوی ادامه یابند. پافشاری بر این نسل محوری، تنها بر شتاب گرداب نسلی می‌افزاید و با این رفتن سرمایه‌ای به نام نسل جوان، هزینه‌های تصاعدی بر جامعه تحمیل کرده و از میزان سوددهی نیز کاسته است. به قول رولف دوبلی: «برای تصمیم‌گیری منطقی باید هزینه‌هایی را که امروز کرده‌اید فراموش کنید، مهم نیست تاکنون چه قدر هزینه کرده‌اید، فقط ارزیابی هزینه‌ها و سودهای آینده مهم است.»

خبر

طحان نظلیف:

دانشجویان در با واقعیت های تصمیم سازی آشنای شوند

سختگوی شورای نگهبان تاکید کرد: دانشجویان با شرکت در رقابت شبیه سازی شورای نگهبان با واقعیت های تصمیم سازی حقوقی آشنا می شوند.
هادی طحان نظلیف، سختگوی شورای نگهبان، با انتشار پوستر برگزاری چهارمین دوره رقابت علمی شبیه سازی شورای نگهبان در شبکه ایکس، نوشت: «رقابت شبیه سازی شورای نگهبان، عرصه ای برای تجربه عینی فرایند بررسی مصوبات مجلس از منظر انطباق با قانون اساسی است. دانشجویان در این رویداد، نقش اعضای شورا را ایفا می کنند و با واقعیت های تصمیم سازی حقوقی آشنا می شوند. چهارمین دوره رقابت علمی شبیه سازی شورای نگهبان از اول آذر ماه آغاز و تا بهمن ماه ادامه دارد.
بازه ثبت نام دانشجویان برای شرکت در این رقابت از ابتدای ۲۰ آبان ماه در نظر گرفته شده است.

محسن پاک آیین در گفت وگو با «آرمان ملی»:

آمریکادر برابر چین احساس تنهایی می کند



اقدامات آمریکا در دریای کارائیب جنگ افروزانه است

اقدامات آمریکا جهان را ناامن کرده است

ترامپ می خواهد جامعه جهانی را فریب دهد



علیه اروپا بردار اما هر بار که با او گفت وگو می‌کند و در رسانه‌ها رضایت خود را از این گفت‌وگو اعلام می‌کند، پوتین زیر میز می‌زند و خشم ترامپ را برمی‌انگیزد. برای همین ترامپ دنبال افزایش فشار اقتصادی بر روسیه است و اخیرا حتی نشان داده که می‌تواند به ژلنسکی نزدیک‌تر شود و موشک‌های راهبردی آمریکایی را در اختیار اوکراین قرار دهد، اما روسیه در مقابل نشان داده که فریب بازی آمریکایی‌ها را نخواهد خورد و برای انگذاری بر فضا، حتی آمادگی هسته‌ای خود را افزایش داده است. آمریکا هم بر آمادگی خود در برابر تحرکات سیاسی و نظامی روسیه افزوده و به عبارتی می‌توان گفت دو کشور روسیه و آمریکا آرام آرام در شرایط رویارویی هسته‌ای قرار می‌گیرند؛ وضعیتی که در نتیجه اقدامات ترامپ در طول یک سال گذشته پدید آمده و موجب حیرت و نگرانی کشورهای جهان شده است. «آرمان ملی» برای بررسی این شرایط و رفتار ترامپ با محسن پاک آیین دبیللمات ایرانی و سفیر سابق ایران در جمهوری آذربایجان گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید.

مقابله با مواد مخدر راه‌ها و روش‌های خود را دارد و در تمام جهان به وسیله همین روش‌ها با این پدیده مقابله می‌کنند، اما هیچ کشوری مثل ترامپ از مسیر جنگ دنبال مقابله با قاچاق مواد مخدر نبوده است

ممکن است به دیگر کشورهای آمریکای لاتین سرایت کند. اقدامات آمریکا در دریای کارائیب جنگ افروزانه است و به هر نتیجه هم منتهی شود آن نتیجه به نفع آمریکا نخواهد بود.

از سوی دیگر اقدامات ترامپ که اخیرا در دستور کار قرار گرفته آغاز روند آزمایش‌های هسته‌ای و یا آمادگی برای شلیک هسته‌ای است. این اقدام تا چه اندازه عملیاتی و البته خطرآفرین است؟

این اقدام ترامپ بالاترین سطح جنگ افروزی در جهان است و اگر این اقدام به صورت وسیع توسط آمریکا در دستور کار قرار گیرد، بقیه کشورهای دارای سلاح هسته‌ای مانند چین، روسیه، پاکستان و هند نیز احتمالا اقداماتی در این زمینه را آغاز می‌کنند، چون مانعی در برابر خود نمی‌بینند. لذا عملکرد آمریکا می‌تواند تنش را به سطح هسته‌ای افزایش دهد. اقدامات آمریکا جهان را ناامن کرده است. لذا این اقدام ترامپ کاملا جنگ افروزانه است و جامعه جهانی کاملا باید در برابر این ترامپ ایستادگی کند و به هر شکل ممکن جلوی این اقدام را بگیری و در عین حال جامعه جهانی نباید با این ادعاهای ترامپ مبنی بر اینکه او ا جنگ را خاتمه داده، توجه کند. جنگ‌هایی که او مدعی است به اتمام رسانده، درگیری مرزی بین تایلند و کامبوج است. این درگیری همیشه بوده و خود این دو کشور با مذاکره مساله را حل کردند، اما ترامپ آن را مصادره و در مالزی ادعا کرد که او این جنگ را خاتمه داده است. در حالی که این درگیری‌ها همچنان ادامه خواهد داشت. با جنگ بین ارمنستان و آذربایجان که صلح در آنجا ایجاد شده بود و طرفین مدت‌ها روی آن کار کرده بودند، اما ترامپ آن را مصادره کرد. ترامپ با ادعاهایش می‌خواهد جامعه جهانی را فریب دهد. درگیری‌های مرزی بین هند و پاکستان و بین پاکستان و افغانستان عموما با مذاکره قابل حل است و ترامپ نمی‌تواند صلح را در این منطق مصادره کند و جامعه جهانی باید ترامپ را به عنوان یک رئیس جمهور جنگ طلب معرفی و در برابر جنگ طلبی ترامپ ایستادگی کند.

وزنولتا پشیمان کند؟ تمام کشورهای جهان برای حفظ تمامیت ارضی خود سلاح تهیه می‌کنند. ملت‌ها برای اینکه استقلال خود را از دست ندهند کارآری و مبارزه می‌کنند. امروز هم تهیه سلاح از کشورهای مختلف برای همه کشورهای جهان میسر است. خصوصاً تهیه سلاح برای کشوری مانند وزنولتا که از نظر نفت و طلا کشوری ثروتمند است، چندان سخت نیست و من فکر نمی‌کنم مادورو و مردم انقلابی که به او علاقه دارند تسلیم آمریکا شوند. تاریخ هم نشان داده که هیچ کشوری نمی‌تواند کشور دیگر را غصب کند بدون اینکه خود دچار آسیب نشود. اگر جنگی در آن منطقه رخ دهد بلندمدت خواهد بود و حتی

سید حسین نقوی حسینی:

شاهد فعال شدن بلندگوهای تخریب، تهمت، توهین و اهانت هستیم

وی ادامه داد: دشمنان انقلاب اسلامی را می‌بینیم که هر روز علیه جمهوری اسلامی ایران جنگ و دندان نشان می‌دهند. تهدید می‌کنند، مشکل آفرینی می‌کنند و با اعمال تحریم‌ها و فشارهای حداکثری، درصدد ضربه‌زدن به نظام هستند.

این نماینده سابق مجلس به شرایط فعلی اشاره و بیان کرد: در چنین شرایطی، عقل، شرع و مصلحت حکم می‌کند که همه نیروهای انقلاب با هم متحد شوند و در برابر دشمنان صف واحدی تشکیل دهند. بااین حال، متأسفانه این روزها شاهد فعال شدن بلندگوهای تخریب، تهمت، توهین و اهانت

گاهی ترامپ اعلام می‌کند که با پوتین به توافق رسیده، اما رفتار بعدی پوتین نشان می‌دهد که او در حال بازی کردن است. به نظر شما پوتین به خوبی استراتژی ترامپ و آمریکا را درک نکرده و تا اینجا برنده ماجرا نیست؟

فرق پوتین و ترامپ در این است که او ابعاد مختلف ماجرا را درک می‌کند چون هم لایه‌های تصمیم‌گیری را در آمریکا می‌شناسد و هم با نگاه اروپا آشنایی دارد. لذا کاملاً بر اوضاع مسلط است و قطعاً برنده این مقابله تا به حال پوتین بوده و در آینده هم روسیه خواهد بود. ترامپ به علت خودشیفتگی و شخصیتی که دارد، بدون شناخت اوضاع و ابعاد جنگ اوکراین حرف می‌زند که بی‌اساس است. اینکه او مدعی بود بایک تلفن ۲۴ ساعت می‌تواند به جنگ در اوکراین خاتمه دهد در این معنا بود که نه اروپا نه روسیه و نه اوکراین را نمی‌شناخت چون جنگ اصلی بین اروپا و روسیه است و به علت این عدم شناخت سخنانی می‌گوید که اساسی ندارد و در واقع اوضاع اوکراین هم نشان دهنده جنگ طلبی ترامپ است و بعد از ناکامی در حل مشکل اعلام کرده که سلاح‌های بیشتریفته در اختیار اوکراین قرار می‌دهد. لذا احتمال اینکه جنگ اوکراین در دوران ترامپ تشدید شود، وجود دارد.

ترامپ اخیرا با شی جین پینگ دیدار و اعلام کرده که مشکلات آمریکا با چین در حال حل و فصل است. آیا توافق بین آمریکا و چین امکان پذیر است؟

دولت‌های مختلف آمریکا از جمله دولت اول ترامپ و دولت بایدن و دولت دوم ترامپ همه چین را به عنوان خطر راهبردی و اولین خطر برای آمریکا می‌دانسته‌اند و نگاه همه این دولت‌ها، اقتصادی است چون اگر آمریکا صحنه اقتصادی را از دست بدهد، به طور طبیعی صحنه سیاسی و نظامی را هم از دست خواهد داد. لذا رویکردهای خشن در ارتباط با چین در زمینه تعرفه‌های گمرکی و حتی رویکردهای نرم نظیر سفر ترامپ به آن منطقه و دیدار با رئیس جمهور چین را همزمان اعمال می‌کنند که این موارد در چارچوب مهار چین و جلوگیری از رشد اقتصادی چین است و چین هم این مورد را در نظر دارد. دقیقاً بعد از همین دیدار است که قرارداد بلندمدت کردن امضای می‌شود. قراردادی که نشان می‌دهد آمریکا در برابر چین احساس تنهایی می‌کند و حامیانش را از دست داده و کسی اعتنایی به آمریکا ندارد. به نظر من رویکردهای استبدادی آمریکا در برابر جهان، موجب نزدیکی کشورها خواهد شد تا در برابر این دیکتاتوری جهانی ایستادگی کنند. براین اساس مادر آینده شاهد استقرا نوعی نظم جدید در جهان خواهیم بود که هدف اصلی آن مقابله با استبداد آمریکا است.

به نظر می‌رسد تنش بین ایران و آمریکا بعد از آتش بس در غزه افزایش نیافته. این روند ادامه خواهد یافت یا آمریکا دوباره به روش‌های قبلی برای اعمال فشار برمی‌گردد؟

خصومت آمریکا و اسرائیل با ایران دامنه دار است و نمی‌توان گفت این خصومت چه زمانی پایان می‌یابد، اما اکنون آمریکا و اسرائیل درگیر مسائل داخلی و خارجی خود هستند. اکنون دولت آمریکا تعطیل شده است. این مباحث باعث خواهد شد آمریکا با چالش‌های زیادی روبه‌رو شده و نتواند خصومت با ایران را به مرحله رویارویی برساند اما در هر صورت ایران باید برای هر شرایطی آماده باشد.

هستیم. مشخص نیست چرا در چنین شرایط حساسی، برخی تریبون‌ها به جای تقویت وحدت، به سمت حملات لفظی و تخریب جریان‌ها و شخصیت‌های مختلف رفته‌اند. نقوی حسینی بیان کرد: گاه از تریبون رسمی مجلس شورای اسلامی، به‌جای نقد و انتقاد سازنده، شاهد توهین‌ها و اتهامات عجیب علیه رئیس جمهور، دولتمردان و مسئولان نظام هستیم. این مسئله واقعاً تعجب‌برانگیز و تأسف‌بار است. وی ادامه داد: بنده خود، سه دوره نماینده مجلس بوده‌ام؛ دو دوره از آن هم‌زمان با دولت آقای روحانی. با دولت و آقای ظریف مخالف بودم، اما هرگز توهین یا اتهام‌زنی شخصی نکردیم.

گزارش

بازی ظریف پکن در خاورمیانه در حال تغییر

پایان نفوذ آمریکا به معنای آغاز عصر چین است؟ امنیت در خاورمیانه از زمان حمله حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ دستخوش دگرگونی‌های چشمگیری شده است. سیاست توسعه طلبانه اسرائیل کشورهای منطقه را واداشته تا برداشت خود از مفهوم امنیت و ناامنی را با تعریف کنند؛ در شرایطی که درگیری در غزه ادامه دارد، تأسیسات هسته‌ای ایران هدف حمله قرار گرفته، درگیری‌هایی با حزب... در لبنان جریان دارد، دولت جدیدی در سوریه روی کار آمده و حوثی‌ها در یمن همچنان فعال‌اند. حمله اسرائیل به مذاکره‌کنندگان حماس در قطر در ۹ سپتامبر ۲۰۲۵ نگاه امنیتی کشورهای خلیج فارس را تغییر داده است. ایالات متحده دیگر به عنوان تضمین‌کننده قابل اعتماد امنیت منطقه دیده نمی‌شود. این حمله و نیز هدف قرار گرفتن پایگاه هوایی «العبدید» در قطر از سوی ایران در جریان جنگ دوازده روزه، آخرین نشانه‌های اعتماد به الگوی قدیمی «حمایت در برابر نفت و تجارت» با آمریکا را از میان برده است. به همین دلیل، کشورهای خلیج فارس روند تنوع بخشی به روابط دفاعی خود را شتاب داده‌اند. برای نمونه، توافق دفاعی متقابل میان عربستان سعودی و پاکستان که در ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۵ امضا شد، نقطه عطفی در سیاست دفاعی منطقه به شمار می‌رود و زمینه را برای حضور بازیگران امنیتی جدید در خلیج فارس فراهم می‌کند. کاهش همونی واشنگتن به‌طور طبیعی با منافع رقبای آن، به‌ویژه چین، هم‌راستا به نظر می‌رسد. با این حال، پکن با وجود جذابیت فرصت‌های پیش‌آمده، بعداً است از این موقعیت برای گسترش نفوذ امنیتی خود استفاده کند و همچنان تمایلی به ایفای نقشی پررنگ در معادلات امنیتی خاورمیانه ندارد.

عوامل تعیین‌کننده

جالب آنکه آمریکا همچنان بزرگ‌ترین «تضمین‌کننده امنیتی» منافع چین در منطقه است. دلیلش این است که پکن راهبردی امنیتی اتخاذ کرده که برگسترش نفوذ از طریق توسعه اقتصادی، مانیجگری در مناقشات و نقش آفرینی دیپلماتیک در شورای امنیت سازمان ملل استوار است. هدف از این سیاست، حفظ ارتباط پایدار با منطقه با مشارکت محدود در حوزه نظامی و کاهش ریسک هاست. خاورمیانه مدت‌هاست منبعی حیاتی برای انرژی چین بوده و در سال‌های اخیر به پایگاه دیپلماتیکی در حمایت از مواضع پکن علیه تایوان و همچنین میدان آزمایشی برای ارائه مدل حکمرانی وایدنولوزی چینی در چارچوب رقابت ژئوپلیتیکی جهانی بدل شده است. با وجود ضعف مدل چین در شرایط بحرانی، پکن نشانی از تمایل به تغییر مسیر خود نشان نمی‌دهد - و شاید نیازی هم به آن نبیند. دو عامل کلان احتیاط چین را توضیح می‌دهد: نخست آن‌که خاورمیانه در قیاس با محیط پیرامونی چین - از جمله دریای جنوبی چین و زنجیره نخست جزایر - در صدر اولویت‌های راهبردی پکن قرار ندارد. رژه نظامی ۳ سپتامبر و نمایش قدرت ارتش چین در مناطق مورد مناقشه در دریای جنوبی، بی‌انگیز غمز چین برای بازسازی نظم جهانی به نفع خود است؛ بازسازی که از شرق آسیا شروع می‌شود. خاورمیانه همچنان منبع انرژی مهمی برای چین به شمار می‌رود و پشتیبانی دیپلماتیک از پکن در برابر تایوان و بستری برای آزمایش مدل حکمرانی فراخام می‌کند، اما تغییرات اخیر در امنیت منطقه تأثیر مستقیمی بر ثبات رژیم یا امنیت ملی چین ندارد. عامل دوم آن است که تحولات امنیتی در خاورمیانه و شمال آفریقا عملاً به سود چین تمام می‌شود و دیدگاه آمریکا را تضعیف می‌کند. افزایش قدرت عمل کشورهای خلیج فارس، آنها را از وابستگی انحصاری به واشنگتن دور می‌کند و گزینه‌های تازه‌ای پیش پایشان می‌گذارد. اساس توافق دفاعی عربستان و پاکستان بر همین اصل استوار است؛ هر دو کشور می‌خواهند از تکیه‌گاه‌های سنتی خود - یعنی آمریکا و چین - فاصله بگیرند. با این حال، پیامدهای این توافق برای عربستان گسترده‌تر است، زیرا روابط چین و پاکستان هرگز بر پایه الگوی «تضمین امنیتی» نبوده است. در خلیج فارس نیز چنین است؛ هرچه خود مختاری راهبردی بیشتر و چندقطبی شدن سریع‌تر شود، نفوذ آمریکا کاهش می‌یابد و پذیرش دیدگاه‌های چین درباره امنیت منطقه‌ای افزایش پیدا می‌کند، حتی در نبود هم‌سویی سیاسی با پکن. پیشنهاد چین برای ایجاد چارچوب‌های جدید امنیتی، مانند «بلتفرم گفت‌وگوی چند جانبه» در خلیج فارس در قالب ابتکار امنیت جهانی که در سال ۲۰۲۲ اعلام شد، گواهی است بر تمایل پکن به حمایت از سازوکارهای بومی‌تر و فراگیرتر. این طرح شامل گفت‌وگو با ایران نیز می‌شود، به‌ویژه پس از مانیجگری چین در نزدیکی دوباره روابط تهران و ریاض در سال ۲۰۲۳. موضع بی‌طرف کشورهای خلیج فارس در جریان جنگ دوازده روزه نیز شرایطی برای کاهش پایدار تنش‌ها و شاید همکاری‌های امنیتی آینده با ایران فراهم کرده است.

زیورکر مودی و بدون چارچوب دولت ترامپ در قبال امنیت خلیج فارس، تردیدها درباره دوام آتش بس و طرح صلح ترامپ برای «روز بعد از جنگ غزه»، همگی موجب خواهند شد کشورهای خلیج فارس در باقی‌مانده دوره ریاست جمهوری او، با نگرانی گسترده‌ای در وضعیت امنیتی خود انجام دهند. پیروزی جناح راست افراطی در انتخابات اکتبر ۲۰۲۶ اسرائیل می‌تواند روند عادی سازی روابط و ادغام بیشتر اسرائیل در نظم نوپای منطقه‌ای را با دشواری روبه‌رو کند. در مقابل، این اتفاق ممکن است موجب شکل‌گیری ائتلاف‌های رقیب تازه‌ای شود تا با سیاست‌های تجدیدنظرطلبانه اسرائیل مقابله کنند. در همین حال، چین احتمالاً ایران را تشویق خواهد کرد تا برای جلوگیری از شعله‌ور شدن درگیری در منطقه، با دولت ترامپ درباره برنامه هسته‌ای خود وارد گفت‌وگو و مصالحه دیپلماتیک شود، حتی با وجود بازگشت تحریم‌ها. این تحولات منطقه‌ای، پایان دوران پس از حمله آمریکا به عراق و جنبش بهار عربی را رقم می‌زند و آغاز عصر تازه‌ای که با تغییرات گسترده‌تر در نظم جهانی و فاصله گرفتن از تک‌قطبی بودن همسو است. چنین شرایطی مستلزم شکل‌گیری الگوی جدیدی از امنیت در خلیج فارس است؛ الگویی که می‌تواند فرصت راهبردی تازه‌ای برای قدرت‌هایی چون چین فراهم کند تا جایگاه‌ایالات متحده را در خاورمیانه و شمال آفریقا به چالش بکشند.